

ضد حمله ایلان ماسک به دولت امریکا:

همه چیز زیر فیلترینگ دولت است

ادعای جدید ایلان ماسک درباره سانسور شبکه‌های اجتماعی توسط دولت امریکا، باعث بروز هرج و مرج میان کارشناسان و سیاستمداران جهانی شد و دید تازه‌ای را به کاربران شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی داد. ایلان ماسک، مدیرعامل شرکت توئیتر می‌گوید که تمام پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی در زمینه سانسور محتوا با دولت امریکا همکاری می‌کنند. ماسک پس از خریداری توئیتر، اسنادی را منتشر کرده بود که نشان می‌داد، این پلتفرم، با اداره تحقیقات فدرال (اف‌بی‌آی)، سازمان اطلاعات مرکزی (سی‌آی‌آی)، پنتاگون و سایر سازمان‌های دولتی امریکا برای سانسور اطلاعات مرتبط با انتخابات، جنگ اوکراین و کووید۱۹هدمست بوده است.

ماسک در توئیتر خود نوشته: «همه» شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی در سانسور گسترده و سنگین دخیل هستند و این مداخله در موافقی، به دستور مستقیم و آشکار دولت، بسیار چشمگیر است. برای مثال، گوگل به‌طور مکرر لینک‌های مورد نظر دولت را که می‌توانند محتوای خطرناکی برای دولت داشته باشند، ناپدید می‌کند. این ادعا، نخبگان و میلیاردرهای Big Tech و Silicon Valley را بیشتر از دیگر اقدشار جامعه وحشت زده کرده است.

به گفته وی، مأموران سیا، «تقریباً همیشه» با این شرکت‌ها جلسه برگزار می‌کنند. در این جلسات، اعضای کارگروه نفوذ خارجی اف‌بی‌آی هم حضور دارند. وی تأکید کرده که گرچه این کارگروه برای مقابله با ادعای مداخله دولت‌های خارجی در انتخابات تشکیل شده اما آنها در این جلسات «درخواست‌های متعددی درباره اعمال محدودیت‌های داخلی را نیز مطرح کرده‌اند.» ماسک با وجود این ادعا، همچنان با معضلات بی‌شماری درباره اینکه کجا و چگونه باید مرز بین محافظت از گفتار و کاهش آسیب‌های واقعی را ترسیم کند، مواجه است.

«سانسورسالاری» دولتی که ادعای دموکراسی دارد

ماسک در پاسخ به «گلن گرین‌والد»،

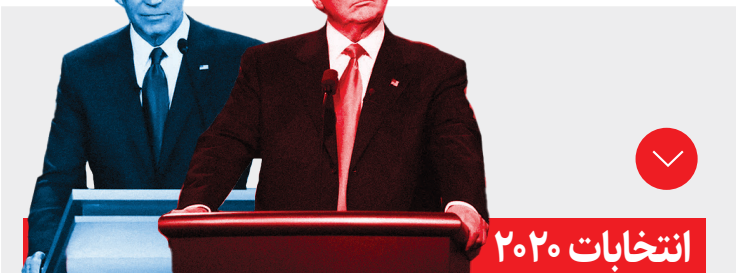
بازی سیاستمداران در فضای شبکه‌های اجتماعی

با وجود این «اف‌بی‌آی» در پاسخ به این ادعا اعلام کرده مکاتبات بین مأمورانش و کارکنان توئیتر، چیزی بیش از نمونه‌هایی از سنت تعامل‌های دیرینه و مداوم دولت فدرال و بخش خصوصی را نشان نمی‌دهد. گرچه نقض قانون آزادی بیان بر اثر اعمال نفوذ و سانسور چندین سازمان دولتی امریکا در این اطلاعات جدید به وضوح دیده می‌شود. در ماه نوامبر بود که نشریه آنلاین اینترسپت، گزارشی مبسوط از جزئیات روند کنترل شبکه‌های اجتماعی توسط «اف‌بی‌آی» (پلیس فدرال) و یک سازمان نظارتی زیرمجموعه وزارت امنیت داخلی دولت دموکرات منتشر کرد. اما با توجه به اطلاعات ایلان ماسک، «جو بایدن»، رئیس‌جمهور ۸۰ ساله امریکا، پس از خرید توئیتر توسط ماسک، با حمله به او این پلتفرم را در اوج فعالیت‌های سیاسی‌اش در راستای منافع واشنگتن و غرب، دروغگو خوانده بود. پس از آن، ماسک با یک توئیٹ علیه پیرمرد کاخ سفید، دست به ضد حمله زد. با توئیٹ ماسک، بسیاری از این بیم دارند که سخنان تنفرآمیز و اطلاعات وی، بیشتر از واقعیت و حقیقت باشد. با وجود این، ماسک به مکاتبات داخلی توئیتر با یک روزنامه‌نگار به نام مت تاییبی - که پس از تأیید او دست به انتشار آن زده- اشاره کرده؛ مکاتباتی که در آن به این موضوع اشاره شده که مقامات ارشد توئیتر با اعضای اف‌بی‌آی و سیا، به طور مداوم جلسه برگزار کرده و در جریان این جلسات، این نهادها فهرستی از «صدها حساب کاربری مشکل‌دار» در اختیارشان

قرار داده بودند و در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ امریکا، از آنها خواسته بودند که این حساب‌ها را تعلیق کنند. تاییبی همچنین گفته بود که «دولت امریکا علاوه بر توئیتر، تقریباً با تمام شرکت‌های فناوری بزرگ در تماس است که از جمله آن می‌توان به فیس‌بوک، مایکروسافت، ورizon، ردیت و حتی پینترست اشاره کرد.» این نگرانی‌ها با اخراج کارکنانی که مسئول ساختن توئیتر بوده و افرادی قابل اعتمادتر هستند، تقویت شده است. بر این ناراحتی، اصرار مقاومت ناپذیر ماسک را برای استفاده از موقعیت جدید خود با عنوان «سرپرست توئیتر یک شبکه مجازی با توئیٹ‌های حزبی که افکار تشکیلات لیبرال را برمی‌انگیزد و به نارضایتی‌های محافظه‌کاران دامن می‌زند» بیفزایید. با سخنان ایلان ماسک، خشم دونالد ترامپ و دیگر چهره‌های جنجالی به سمت وی بازگشته است. به نظر کارشناسان، رفتار غیرعادی ماسک برای آینده آزادی بیان در رسانه‌های

آزادی بیان، آنقدرها هم جدی نیست

لازم نیست که ایلان ماسک باشید تا متوجه شوید که آزادی بیان به اندازه کافی توسط پلتفرم‌های جهانی و دیجیتال جدی گرفته



انتخابات ۲۰۲۰

انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ و این روایت تجربی مشکوک مبنی بر اینکه اطلاعات نادرست کشور رقیب امریکا برای پیروزی ترامپ تعیین کننده بود، باعث شد که نگرش‌های کارشناسان و نخبگان بشدت نسبت به رسانه‌های اجتماعی تغییر کند و رسانه‌های اجتماعی، به طور گسترده‌ای به یک خطر آشکار برای دموکراسی تبدیل شود. در این میان، همچنین بر نگرانی از افزایش نفرت، آسیب و پنهان کاری و حقه بازی در این فضا افزوده شد، بویژه از سوی کسانی که خواستار بازگشت آزادی بیان بودند. این روال، که اگر محتوای یک ادعای توهین آمیز، قانونی اما بسیار بد را پاکسازی کنند، دید مثبت مخاطبان به شکل تصاعدی کاهش می‌یابد، در شبکه‌های اجتماعی چون فیس‌بوک، یوتیوب و توئیتر، توسعه یافت. در این انتخابات، نگرانی‌های واقعی درباره چگونگی تعدیل محتوا در مقیاس بسیار بالا وجود داشت و هنوز به درستی فاش نشده که چه تئانی سیستماتیکی بین کمپین بایدن و توئیتر وجود داشته است. دست

نمی‌شود. از نظر قانونی، حمایت از آزادی بیان در درجه اول یک رابطه بین دولت و شهروندان است. اما فرهنگ پر رونق آزادی بیان در جامعه در قبال افکاری است که در برابر عقاید خاص دولت‌ها قرار می‌گیرد. در واقع، سیاست‌های تعدیل محتوای شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی مهم است. هیچ دولتی در طول تاریخ نتوانسته است چنین کنترل گسترده‌ای بر آنچه گفته می‌شود، اعمال کند اما به نظر می‌رسد امریکا موفق‌تر از دیگر دولت‌ها عمل کرده است. دو دهه پیش، معمار شبکه جهانی وب، «تیم برنرز لی»، برای شکوفایی فرهنگ آزادی بیان بر اساس ایده‌آل اینترنت غیرمتمرکز هشدار داد که «تحمیل فیلترهای غیرارادی بر شخص دیگری، سانسور است.» اما با ظهور پلتفرم‌های عظیم و متمرکز که صدها میلیون کاربر را به خود جذب کرده، جنبه‌های تاریک رسانه‌های اجتماعی

بسیار بیشتر نمایان شد. پیش از این، برتری گرایان سفید، چندان قدرتی در داستان سانسورگری نداشتند. اما بار دیگر موضوع برتری نژادی سفید پوستان در این شبکه‌های اجتماعی دیده می‌شود. در فیس‌بوک و توئیتر، متعصبان می‌توانند ناگهان تنفر و سوءاستفاده را در مقیاسی هماهنگ کنند که قبلاً محدود به وبلاگ‌های حاشیه‌ای با کشش کم بود.

به طور فزاینده‌ای روشن شده است اگر شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی امیدوارند توده‌ای از کاربران و تبلیغ‌کنندگان را جذب و حفظ کنند که ایده‌های متفاوتی درباره موضوع‌هایی ازجمله آنچه توهین‌آمیز، نفرت‌انگیز یا حتی واقعی است، دارند، باید فعالانه‌تر بر پلتفرم‌های خود نظارت کنند. آنها همچنین باید از یکپارچگی خود در برابر کاربران بد محافظت کنند، که در این زمینه باید به دولت‌های استبدادی که هیچ تردیدی در مورد اخلال در فرایندهای دموکراتیک ندارند نیز توجه خاص داشته باشند.

از مقابله با دروغ تا واقعیت ماجرا

دلایل محکمی وجود دارد که تمرکز مداوم بر جنبه‌های تاریک رسانه‌های اجتماعی، تمام مزایایی را که ما بدیهی می‌دانیم، پنهان می‌کند. از تشدید اعتراضات به تبعیض نژادی و سرکوب واقعیت‌ها گرفته تا سانسورهای پی در پی، در سیاست‌های دولت امریکا دیده می‌شود. رسانه‌های اجتماعی به فعالان و روزنامه‌نگاران این امکان را داده است تا با دروغ‌ها و تبلیغات دولت‌های مستبد مقابله کنند و جنایات و نقض حقوق بشر آنها را مستند کنند، اما این ظاهر ماجراست و در خفا دستور سیاستمداران دولت امریکا را در شبکه‌های اجتماعی منعکس خواهند کرد.

به طور خلاصه، یک موضوع قانع کننده وجود دارد: آزادی بیان باید در رسانه‌های اجتماعی تقویت شود، نه تضعیف. اما این موضوع در شرایط فعلی و نحوه تعبیر آزادی بیان از سوی احزاب - که با توجه به منافعشان صورت می‌گیرد، بعید به نظر می‌رسد.



**دولت امریکا
درباره انتخابات،
جنگ اوکراین و
همه‌گیری کرونا
نیز از همین
شیوه استفاده
کرده است تا
اطلاعات غلط
را در شبکه‌های
اجتماعی به
شکلی که خود
خواهان آن است
منتشر کند**